خبر

سند امنیتی نتانیاهو علیه ایران

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سند امنیتی جدید خود بر ضرورت افزایش توان نظامی اسرائیل تأکید کرده و خواستار آن شده است که این رژیم بتواند حتی بدون کمک آمریکا، علیه تأسیسات هسته‌ای ایران اقدام کند. او از اقدام پیش‌دستانه، ایجاد مناطق حائل، توسعه تولید تسلیحات در داخل سرزمین‌های اشغالی و برتری در فناوری‌های پیشرفته، از جمله هوش مصنوعی، سخن گفته است.

به گزارش مهر در ظاهر، این مواضع بخشی از تلاش برای کاهش وابستگی نظامی اسرائیل به متحد اصلی خود، یعنی آمریکاست. اما در پس این ادعا، تناقضی جدی وجود دارد. رژیمی که سال‌ها امنیت خود را بر پایه حمایت نظامی، تسلیحاتی و سیاسی واشنگتن تعریف کرده، اکنون از ضرورت توانایی اقدام مستقل سخن می‌گوید. همین تأکید نشان می‌دهد که موضوع وابستگی به آمریکا، به یکی از دغدغه‌های راهبردی اسرائیل تبدیل شده است.

البته اعلام هدف برای افزایش توان نظامی، به معنای برخورداری از ظرفیت لازم برای تحقق آن نیست. میان انتشار یک سند سیاسی و ایجاد توان عملیاتی پایدار فاصله زیادی وجود دارد. اسرائیل برای تبدیل این شعارها به واقعیت، به منابع مالی، فناوری پیشرفته، نیروی انسانی متخصص و مهم‌تر از همه، ارزیابی واقع‌بینانه از محدودیت‌های خود نیاز دارد. این در حالی است که تجربه رویارویی با ایران نشان داده است که برتری در برخی تجهیزات و فناوری‌ها، لزوماً به معنای توان تحمیل اراده سیاسی به طرف مقابل نیست.

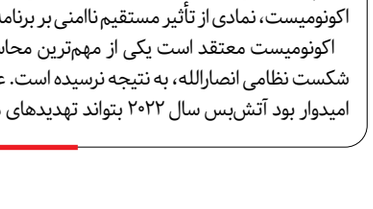
واکنش مخالفان نتانیاهو به این سند، بخش مهمی از ماجراست. یائیر لاپید، رهبر مخالفان، با لحنی تمسخرآمیز آن را شبیه متنی دانسته که یک هوش مصنوعی رایگان نوشته است. گادی آیزنکوت نیز محتوای آن را مجموعه‌ای از شعارهای توخالی توصیف کرده است.

این انتقادها از سوی چهره‌هایی مطرح می‌شود که خود به جریان سیاسی و امنیتی اسرائیل تعلق دارند و نمی‌توان آنها را صرفاً مخالفانی بیرون از ساختار قدرت دانست. بنابراین، مسئله فقط اختلافات حزبی نیست؛ بخشی از نخبگان اسرائیلی درباره میزان عملی بودن ادعاهای امنیتی نتانیاهو و توانایی او برای ارائه تصویری روشن از آینده تردید دارند.

پرسش اساسی این است که اگر سندی با هدف ترسیم آینده امنیتی اسرائیل منتشر می‌شود، چرا باید تا این اندازه کلی و کم‌جزئیات باشد؟ یک راهبرد امنیتی جامع باید تهدیدها را اولویت‌بندی کند، منابع و امکانات مورد نیاز را توضیح دهد، محدودیت‌ها را بسنجد و مسیر دستیابی به اهداف را مشخص کند. تکرار عباراتی مانند افزایش قدرت نظامی، استقلال راهبردی و برتری فناوری، بدون ارائه جزئیات کافی، به‌تنهایی چنین انتظاری را برآورده نمی‌کند.

از سوی دیگر، نتانیاهو نمی‌تواند صرفاً با اعلام اینکه اسرائیل باید مستقل‌تر عمل کند، وابستگی‌های عمیق این رژیم به آمریکا را کنار بگذارد. حمایت واشنگتن فقط به تأمین تسلیحات محدود نیست؛ همکاری اطلاعاتی، فناوری، پشتیبانی سیاسی و هماهنگی نظامی نیز بخش مهمی از این رابطه را تشکیل می‌دهد. بنابراین، استقلال راهبردی ادعاشده، بیش از آنکه با یک اعلام سیاسی تحقق یابد، به تغییرات گسترده و پرهزینه نیاز دارد.

انتشار سندی کوتاه در آستانه انتخابات، زمینه‌ای فراهم می‌کند که منتقدان درباره اهداف سیاسی نخست‌وزیر پرسش مطرح کنند. نتانیاهو می‌خواهد خود را سیاستمداری نشان دهد که در برابر تهدیدهای خارجی، قاطع و آماده اقدام است. تأکید بر ایران و وعده توانایی حمله مستقل، می‌تواند بخشی از همین تصویرسازی باشد. در چنین شرایطی، مسئله فقط محتوای سند نیست؛ بلکه نحوه استفاده سیاسی از آن نیز اهمیت دارد.



پنتاگون در آستانه انتشار گزارش خروج نیروهای آمریکا از افغانستان

تسویه‌حساب با ژنرال‌های بایدن

گروه بین‌الملل - پنج سال پس از خروج آشفته نیروهای آمریکایی از افغانستان، دولت دونالد ترامپ بار دیگر یکی از بحث‌برانگیزترین پرونده‌های سیاست خارجی واشنگتن را گشوده است. پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، در آستانه انتشار گزارشی قرار دارد که قرار است مسئولیت مقام‌های نظامی و سیاسی دخیل در عملیات خروج سال ۲۰۲۱ را بررسی کند. این اقدام در شرایطی صورت می‌گیرد که انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در سوم نوامبر برگزار خواهد شد و رقابت جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها وارد مرحله حساسی شده است. به گزارش یورونیوز به نقل از واشنگتن‌پست، بررسی تازه پنتاگون ممکن است به پیشنهاد برخورد انضباطی با شماری از فرماندهان ارشد، از جمله افسران بازنشسته، منجر شود. بااین‌حال، منتقدان درباره انگیزه‌های سیاسی این اقدام و احتمال تبدیل آن به ابزاری برای تسویه‌حساب با مقام‌های دولت پیشین هشدار داده‌اند.



نام ژنرال کنت مکنزی، فرمانده پیشین نیروهای آمریکایی در خاورمیانه، و مارک میلی، رئیس سابق ستادمشترک ارتش، در بحث‌های مربوط به مسئولیت فرماندهان مطرح شده است

بازگشت به روزهای سقوط کابل

خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان در اوت ۲۰۲۱، پایان دو دهه حضور نظامی ایالات متحده در این کشور بود؛ حضوری که با هدف مقابله با تروریسم آغاز شد، اما در نهایت نتوانست ساختار سیاسی مورد حمایت واشنگتن را حفظ کند. با پیشروی سریع طالبان و فروپاشی دولت افغانستان، هزاران شهروند افغان و خارجی برای خروج از کشور به فرودگاه کابل هجوم بردند. در جریان عملیات تخلیه، انفجار انتحاری در نزدیکی یکی از ورودی‌های فرودگاه به کشته شدن ۱۳ نظامی آمریکایی و حدود ۱۷۰ شهروند افغان انجامید. تصاویر ازدحام جمعیت و آشفتگی عملیات تخلیه، به یکی از نمادهای ناکامی سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد.

اکنون دولت ترامپ می‌خواهد مشخص کند کدام تصمیم‌ها و کدام مقام‌ها در بروز این وضعیت نقش داشته‌اند؛ پرسشی که پاسخ آن همچنان موضوع اختلاف سیاسی و نظامی است.

گزارش در آستانه انتخابات

براساس گزارش واشنگتن‌پست، فرماندهان فعلی و پیشین ارتش آمریکا خود را برای انتشار نتایج بررسی پنتاگون آماده می‌کنند. منابع آگاه گفته‌اند این گزارش ممکن است پیش از انتخابات سوم نوامبر منتشر شود، هرچند زمان دقیق انتشار هنوز مشخص نیست.

ترامپ در کارزار انتخاباتی سال ۲۰۲۴ وعده داده بود مسئولان خروج آشفته از افغانستان را پاسخگو کند. هگست نیز پس از ورود به پنتاگون، بررسی مجدد این پرونده را در دستور کار قرار داد و شان پارنل، سخنگوی ارشد وزارت دفاع، را مسئول هدایت تحقیقات کرد. هم‌زمانی احتمالی انتشار گزارش با انتخابات، پرسش‌هایی درباره اهداف سیاسی آن ایجاد کرده است. جمهوری‌خواهان می‌توانند از نتایج بررسی برای انتقاد از عملکرد دولت جو بایدن استفاده کنند، درحالی‌که دموکرات‌ها ممکن است بر نقش تصمیم‌های دولت نخست ترامپ در شکل‌گیری بحران تأکید کنند.

ژنرال‌ها زیر ذره‌بین

یکی از مهم‌ترین بخش‌های بررسی تازه، احتمال برخورد با فرماندهانی است که در زمان خروج نیروها مسئولیت داشته‌اند. به گفته منابع مطلع، گزینه‌های احتمالی شامل توبیخ رسمی، تنزل درجه و حتی فراخواندن برخی افسران بازنشسته به خدمت برای رسیدگی انضباطی است. نام ژنرال کنت مکنزی، فرمانده پیشین نیروهای آمریکایی در خاورمیانه، و مارک میلی، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش، در بحث‌های مربوط به مسئولیت فرماندهان مطرح شده است. آستین اسکات میلر، فرمانده پیشین نیروهای آمریکایی در افغانستان، نیز از مقام‌هایی است که در بررسی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. البته مصاحبه با این فرماندهان به معنای اثبات تخلف یا قطعی بودن مجازات آنان نیست.

هشدارهایی که جدی گرفته نشد

بررسی‌های پیشین نشان می‌دهد برخی فرماندهان ارشد نسبت به پیامدهای خروج کامل نیروهای آمریکایی هشدار داده بودند. مکنزی در شهادت خود در کنگره اعلام کرد پنتاگون ماه‌ها پیش از سقوط کابل، طرحی برای تخلیه نیروهای نظامی، دیپلمات‌ها و شهروندان در معرض خطر تهیه کرده بود. به گفته او، تصمیم دولت بایدن برای حفظ فعالیت سفارت و کاهش شدید نیروهای نظامی، اجرای عملیات تخلیه را دشوارتر کرد. میلر نیز در گفت‌وگو با قانون‌گذاران هشدار داده بود که وضعیت امنیتی افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی ممکن است به‌سرعت وخیم شود. این اظهارات نشان‌دهنده اختلاف میان ارزیابی‌های نظامی و تصمیم‌های سیاسی در واشنگتن است. بااین‌حال، روشن شدن میزان تأثیر این اختلافات بر نتیجه نهایی عملیات، نیازمند بررسی مجموعه تصمیم‌های اتخاذشده در دوره‌های مختلف است.

مسئولیت ترامپ یا بایدن؟

یکی از پیچیده‌ترین موضوعات پرونده افغانستان، تقسیم مسئولیت میان دو دولت متوالی آمریکاست. دولت ترامپ در فوریه ۲۰۲۰ توافقی با طالبان امضا کرد که مسیر خروج نیروهای آمریکایی را مشخص می‌کرد. دولت بایدن پس از آغاز به کار، تصمیم به تکمیل خروج گرفت و عملیات نهایی در دوران ریاست‌جمهوری او انجام شد. جمهوری‌خواهان معتقدند مدیریت ضعیف دولت بایدن، موجب آشفتگی عملیات و افزایش تلفات شد. در مقابل، مقام‌های دولت پیشین استدلال می‌کنند که توافق ترامپ با طالبان، گزینه‌های محدودی برای دولت بعدی باقی گذاشته بود. برخی فرماندهان نظامی نیز در شهادت‌های خود تأکید کرده‌اند که توافق سال ۲۰۲۰ در تضعیف دولت افغانستان نقش داشته است. بنابراین، محدود کردن مسئولیت بحران به یک دولت یا چند فرمانده، بدون بررسی روند چندساله تصمیم‌گیری، تصویر کاملی ارائه نمی‌دهد.

پرسش درباره استقلال تحقیقات

ترکیب گروه بررسی‌کننده نیز مورد توجه رسانه‌های آمریکایی قرار گرفته است. در کنار شان پارنل، استوارت شلر، افسر سابق تفنگداران دریایی، و جری دانلوی، خبرنگار تحقیقی، در این فرایند مشارکت دارند. شلر پیش‌تر به دلیل انتقاد علنی از فرماندهان ارشد درباره خروج افغانستان با رسیدگی نظامی روبه‌رو شده بود.

دانلوی نیز سابقه همکاری با تحقیقات مجلس نمایندگان درباره این پرونده را دارد. از سوی دیگر، گزارش‌ها حاکی است مقام‌های ارشد دولت بایدن، از جمله لوید آستین، آنتونی بلینکن و جیک سالیوان، در مصاحبه‌های بررسی تازه شرکت نکرده‌اند. نبود روایت مستقیم این مقام‌ها می‌تواند ارزیابی جامع تصمیم‌های سیاسی آن دوره را دشوار کند.

پاسخ‌گویی یا رقابت حزبی؟

بررسی مسئولیت فرماندهان نظامی در یک عملیات پرهزینه، از منظر نظارت بر عملکرد دولت و ارتش اهمیت دارد. بااین‌حال، اگر نتیجه تحقیقات تحت تأثیر رقابت‌های حزبی قرار گیرد، ممکن است اعتماد عمومی به بی‌طرفی نهادهای نظامی کاهش یابد.

پرسش دیگر آن است که آیا بررسی تازه صرفاً بر تصمیم‌های روزهای پایانی جنگ متمرکز خواهد ماند یا سیاست‌های بیست‌ساله آمریکا در افغانستان را نیز در بر خواهد گرفت. هزینه‌های سنگین جنگ، ضعف نهادهای دولتی افغانستان و سرعت فروپاشی ساختارهای امنیتی، مسائلی هستند که نمی‌توان آن‌ها را تنها با بررسی عملیات تخلیه توضیح داد.

در همین رابطه پرسش اساسی همچنان باقی است: آیا واشنگتن در پی شناخت دلایل ناکامی بیست‌ساله خود در افغانستان است یا تنها می‌خواهد مسئولیت آخرین روزهای جنگ را میان مقام‌های دولت‌های گذشته تقسیم کند؟

«ابتکار» مهمترین تحولات ناآرامی‌ها در فرانسه را بررسی می‌کند

پاریس در آتش؛ ماکرون در سفر

امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه روز دوشنبه سفر سه روزه خود به کویت، امارات عربی متحده، بحرین و قطر را با هدف «تضمین امنیت زنجیره تأمین انرژی» کشورش آغاز کرد. با این حال، به نظر نمی‌رسد کشورهای امیرنشین حاشیه خلیج فارس که صادرات سوخت‌های فسیلی آن‌ها در پی اخلال در تنگه هرمز افت کرده، اهرم فشاری بیش از پاریس برای مهار تنش و درگیری میان ایالات متحده و ایران در دست داشته باشند.

به گزارش یورونیوز ماکرون در سالن تشریفات فرودگاه ابوظبی مورد استقبال محمد بن زاید، رئیس امارات عربی متحده قرار گرفت و پس از آن، هر دو برای گفت‌وگو راهی کاخ ریاست‌جمهوری شدند. رئیس‌جمهوری فرانسه که پس از یک پایان‌هفته ناآرام و درگیری‌های خیابانی خشونت‌بار در کشورش، زیر ذره‌بین تحلیل گران بین‌المللی قرار گرفته، شامگاه یکشنبه اندکی پس از نطق تلویزیونی در باره تحولات اخیر، پاریس را به مقصد خلیج فارس ترک کرد

امانوئل ماکرون در این سخنرانی از پیش اعلام شده، احساس «خشم» و «شرمساری» خود را نسبت به ویرانی‌های ناشی از ناآرامی‌ها ابراز داشت. او در سفر دوره‌ای به خلیج فارس که قرار است تا روز چهارشنبه ادامه یابد، مذاکرات فشرده‌ای را در قالب دیدارهای پشت درهای بسته در کاخ‌های سلطنتی کویت، امارات، بحرین و قطر دنبال خواهد کرد.

این سفر، شش ماه مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه بیشتر به یک تور خداحافظیِ منطقه‌ای شباهت دارد؛ با این حال ماکرون در سخنرانی یکشنبه شب خود تلاش کرد آن را با تحولات جاری پیوند بزند. او در همین راستا تاکید کرد که سفرش به خلیج فارس با هدف «تضمین امنیت تامین انرژیِ» کشورش از سوی متحدان فرانسه صورت می‌گیرد. ماکرون به افکار عمومی یادآور شد که ریشه جهش سرسام‌آور بهای سوخت، در خاورمیانه و در جنگی است که توسط ایالات متحده و اسرائیل آغاز شده است.

رئیس‌جمهوری فرانسه در این خصوص تصریح کرد: این مناقشه‌ای است که فرانسه نقشی در آن نداشته، اما اکنون تاوان پیامدهایش را پرداخت می‌کند»؛ هشداری که در آستانه فصل سرما و هم‌زمان با بحران تنگه هرمز و اخلال در عبور نفت‌کش‌ها، سایه سنگینی بر سر اروپا انداخته است. پاریس در این سفر در پی دست‌یابی به محموله‌های مازاد نفت خام و گازوئیل است. استفاده از ذخایر سوختی مستقر در عمان از جمله گزینه‌های در دست بررسی است که می‌تواند به تامین نیازهای مناطق فرادریایی فرانسه نظیر «مایوت» و «رئونیون» کمک کنند.

مقامات فرانسوی همچنین برای دستیابی به توافق‌های احتمالی چشم به قطر دوخته‌اند. هیئت همراه ماکرون علاوه بر وزرای ارشد، شامل مدیران برجسته شرکت‌های تجاری از جمله پاتریک پویانه، مدیرعامل شرکت توتال‌انرژی است.

چالش صادرات انرژی در خلیج فارس

با این وجود، کشورهای حوزه خلیج فارس خود نیز با چالش‌های سنگینی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تشدید رویارویی میان واشنگتن و تهران، صادرات نفت و گاز این کشورها را به شدت مختل کرده و توانایی‌شان برای ارائه یک کمک فوری به اقتصاد فرانسه را به‌شدت محدود ساخته است.

تلاش‌های دیپلماتیک نیز پیشرفت ملموسی نداشته است. قطر کماکان به نقش میانجی‌گری خود ادامه می‌دهد اما مذاکرات در بن‌بست مانده است. به نوشته روزنامه لوموند، ایران در صدد است تا در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای ۳ نوامبر در آمریکا فشارها بر واشنگتن را به اوج برساند؛ با این حال، این نگرانی همچنان در تهران وجود دارد که کاخ سفید ممکن است پس از برگزاری انتخابات، عملیات‌های نظامی گسترده‌تری را از سر بگیرد.

مقامات ایرانی همچنین اعتراضات خیابانی در فرانسه را با دقت زیر نظر دارند؛ چرا که پیامدهای سیاسی و اجتماعی ناشی از گرانی سوخت در اروپا، به بُعد دیگری از این تقابل ژئوپلیتیک بدل شده است. پیامدهای اقتصادی این بحران برای کشورهای امیرنشین خلیج فارس بالقوه فاجعه‌بار است. بر اساس پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول، انتظار می‌رود اقتصاد قطر انقباضی ۱۵٫۶ درصدی و اقتصاد عربستان سعودی افتی ۳٫۳ درصدی را تجربه کنند.

انرژی، دفاع و وابستگی به واشنگتن

این بحران فراتر از کاهش کوتاه‌مدت درآمدهای نفتی است و کل مدل اقتصادی کشورهای خلیج فارس را که بر پایه ثبات منطقه‌ای، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت امن دریایی بنا شده، تهدید می‌کند. در چنین بستری، ماکرون به دنبال همکاری‌های بلندمدت‌تر از جمله سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جایگزین برای ترانزیت انرژی است که بتواند از وابستگی به تنگه هرمز بکاهد.

همکاری‌های دفاعی بخش مهم دیگری از مذاکرات است چرا که کشورهای خلیج فارس در برابر وخامت اوضاع امنیتی، خواستار تجهیز به سامانه‌های پدافند هوایی پیشرفته‌تری هستند.

این سفر همچنین پرده از یک معمای راهبردی مشترک برمی‌دارد: فرانسه و شرکای منطقه‌ای‌اش هر دو به‌شدت به ساختار امنیتی مبتنی بر چتر حمایتی آمریکا وابسته‌اند؛ اهرمی که به نظر می‌رسد قابلیت اتکا و اعتبار آن بیش از هر زمان دیگری در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است.

اخبار

از تایید تا تکذیب مرگ کیم جونگ اون



پس از انتشار شایعات در مورد مرگ رهبر کره شمالی، کیم جونگ اون در کنار دختر و همسرش در نمایشگاه لباس و کفش پیونگ‌یانگ ظاهر شد. طبق گزارش رسانه‌های کره شمالی، رهبر این کشور به همراه دخترش در یک نمایشگاه لباس و کفش شرکت کرد.

حضور کیم در این نمایشگاه پس از آن رسانه‌ای شد که انبوهی از شایعات درباره مرگ او در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده و برخی نشریات هم آن را منتشر کرده بودند. این شایعات ابتدا از یکشنبه تا دوشنبه در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) شروع به پخش شدن کردند، پس از آنکه حداقل دو پروفایل چینی پر طرفدار ضد حزب کمونیست بدون هیچ مدرکی ادعا کردند که کیم فوت کرده یا به کما رفته و با عجله به بیمارستانی در پکن منتقل شده است.

تا اواخر دوشنبه به وقت آمریکا این شایعه در فهرست موضوعات پرطرفدار در ایکس ذکر شد و برخی نشریات هم ادعای به کما رفتن رهبر کره شمالی را منتشر کردند. خبرگزاری مرکزی کره (KCNA) صبح سه‌شنبه گزارش داد که کیم روز دوشنبه از نمایشگاه ملی پوشاک و کفش ۲۰۲۶ در پیونگ یانگ بازدید کرد. عکس‌های بازدید او به همراه همسر و دخترش در محل برگزاری نمایشگاه منتشر شده است.

کیم گفت که این نمایشگاه، «توسعه بخش صنایع سبک را نشان می‌دهد که باعث بهبود رفاه مادی و فرهنگی مردم و پیشرفت سریع می‌شود.» پیش از این در سال ۲۰۲۰ هم شایعه فوت رهبر کره شمالی منتشر شده بود. وبگاه آمریکایی «ان‌کی نیوز» که تمرکز آن اخبار کره شمالی است، گزارش داد: «شایعات در مورد مرگ رهبر کره شمالی به دلیل پدیده اشتراک‌گذاری در رسانه‌های اجتماعی، احتمالاً توسط پست‌های ربات‌ها، منتشر شده است. این شایعات توسط هیچ منبع معتبری که از این ادعاها حمایت کند، پشتیبانی نشد و توسط وب‌سایت‌ها و نشریات زرد که ادعاها را بدون تأیید بازنشر می‌کردند، تشدید شد.»

قرارداد سنگین نظامی اسرائیل با باکو

روزنامه اسرائیلی «گلوبز» گزارش داده که جمهوری آذربایجان، مشتری ناشناس موشک‌های هدایت‌شونده دقیق و سامانه‌های توپخانه‌ای راکتی از شرکت البیت سیستمز به ارزش ۲۳۵ میلیون دلار است؛ معامله‌ای که به نوشته این گزارش، بر تعمیق همکاری‌های نظامی میان باکو و تل‌آویو تأکید دارد.

پیش‌تر، این شرکت صنایع نظامی اسرائیل اصل انعقاد قرارداد را تأیید کرده اما هویت مشتری را افشا نکرده بود.بر اساس اعلام شرکت البیت، این توافق شامل موشک‌های میان‌برد «اکسترا-ام‌آر» (EXTRA-MR)، پرتابگرهای سامانه «پالس» (PULS) و پشتیبانی لجستیکی است. موشک EXTRA-MR برای حملات دقیق به اهدافی در برد حداکثر ۸۰ کیلومتر طراحی شده است. شرکت البیت اعلام کرد که این توافق در چارچوب یک قرارداد بین‌دولتی بین وزارت جنگ اسرائیل و وزارت دفاع کشور مشتری امضا شده است.طبق این گزارش، این توافق در شرایطی مطرح شده که همکاری‌های نظامی اسرائیل و جمهوری آذربایجان بار دیگر شتاب گرفته و شرکت‌های صنایع نظامی اسرائیل حضور خود را در این کشور واقع در قفقاز جنوبی گسترش می‌دهند.

حدود یک هفته پیش، گلوبز گزارش داده بود که شرکت اسلحه‌سازی اسرائیلی «آری آرمز» (Ari Arms)، با حضور الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان، یک کارخانه تولید تفنگ را در جمهوری آذربایجان افتتاح کرد.شرکت البیت سیستمز، بزرگ‌ترین شرکت خصوصی صنایع نظامی اسرائیل، بنا بر گزارش‌ها پیش‌تر هم پیشنهاد داده بود که با همکاری شرکای محلی، تولید محصولات خود را در جمهوری آذربایجان بومی‌سازی کند. در نمایشگاه امسال ادکس در باکو، چند شرکت صنایع نظامی اسرائیل شامل «آئروناتیکس» (Aeronautics)، «پلاسان» (Plasan)، «یوویژن» (UVision)، «باگیرا» (Bagira) و «برد» (Bird) حضور داشتند.شرکت «اوندا‌س» (Ondas) که ریاست آن را دیوید بارنیا، رئیس پیشین موساد، برعهده دارد هم در این نمایشگاه حضور داشت.

عربستان درگیر جنگ یمن، مشکلات اقتصادی و کاهش اعتماد به آمریکاست

بن‌سلمان در محاصره سه بحران

مجله انگلیسی اکونومیست در گزارشی، سال ۲۰۲۶ را یکی از دشوارترین سال‌های حکومت محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، توصیف کرده است؛ سالی که در آن سه محور اصلی سیاست‌های او، یعنی مهار انصارالله یمن، تحول اقتصادی و اتکا به حمایت آمریکا، با چالش‌های جدی روبه‌رو شده‌اند. به نوشته این نشریه، مجموعه‌ای از بحران‌های امنیتی و اقتصادی، چشم‌انداز برنامه‌های بلندپروازانه ریاض را با ابهام مواجه کرده و توانایی ولیعهد سعودی برای مدیریت هم‌زمان این مشکلات را به آزمون گذاشته است.

یکی از نشانه‌های آشکار بحران، تعویق نشست سالانه «ابتکار سرمایه‌گذاری آینده» است که قرار بود از ۲۶ اکتبر در ریاض برگزار شود. این نشست که به «داووس در دل کویر» شهرت دارد، معمولاً فرصتی برای نمایش ظرفیت‌های اقتصادی عربستان و جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی محسوب می‌شود.

اما حملات موشکی و پهپادی انصارالله به ریاض، اختلال در فعالیت فرودگاه پایتخت و هشدارهای مسافرتی کشورهای غربی، شرایط برگزاری آن را تغییر داد. نگرانی مدیران شرکت‌های بین‌المللی از احتمال هدف قرار گرفتن محل اقامت یا برگزاری نشست نیز بر این وضعیت افزود. سرانجام برگزارکنندگان در ۱۹ اکتبر اعلام کردند این رویداد تا سال آینده به تعویق افتاده است؛ تصمیمی که از نگاه اکونومیست، نمادی از تأثیر مستقیم ناامنی بر برنامه‌های اقتصادی عربستان است.

اکونومیست معتقد است یکی از مهم‌ترین محاسبات محمد بن سلمان، یعنی شکست نظامی انصارالله، به نتیجه نرسیده است. عربستان پس از سال‌ها درگیری امیدوار بود آتش‌بس سال ۲۰۲۲ بتواند تهدیدهای مرزی را مهار کند، اما گسترش جنگ منطقه‌ای در تابستان امسال، این وضعیت را تغییر داد.

در شرایط کنونی، ریاض با گزینه‌های دشواری روبه‌روست. ورود نیروهای زمینی به یمن می‌تواند هزینه‌های انسانی و نظامی سنگینی داشته باشد. ادامه حملات هوایی نیز تضمینی برای پایان تهدیدها ایجاد نمی‌کند. پذیرش توافق سیاسی هم ممکن است به تثبیت موقعیت انصارالله در بخش‌هایی از یمن منجر شود.

این وضعیت نشان می‌دهد برتری تسلیحاتی به‌تنهایی برای دستیابی به اهداف سیاسی کافی نیست و ادامه درگیری می‌تواند هزینه‌های بلندمدتی بر عربستان تحمیل کند. به نوشته اکونومیست، بحران امنیتی در زمانی تشدید شده که برنامه تحول اقتصادی عربستان پیش‌تر نیز با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. برخی پروژه‌های بزرگ به دلیل فشار بر منابع مالی دولت متوقف یا کوچک شده‌اند. همچنین رشد دستمزدها از افزایش هزینه‌های زندگی عقب مانده و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنان فاصله قابل توجهی با اهداف اعلام‌شده دارد.

براساس ارقام مورد اشاره این نشریه، میزان سالانه سرمایه‌گذاری خارجی حدود یک‌سوم هدف ۱۰۰ میلیارد دلاری دولت سعودی است.

اکونومیست همچنین گزارش داده که پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول درباره رشد اقتصادی عربستان در سال ۲۰۲۶، از حدود چهار درصد به انقباض ۳٫۳ درصدی تغییر کرده است.

در چنین شرایطی، بازگشت اقتصاد عربستان به مسیر رشد تا حد زیادی به کاهش تنش‌های منطقه‌ای و احیای اعتماد سرمایه‌گذاران وابسته خواهد بود.

بخش دیگری از گزارش به روابط عربستان و آمریکا اختصاص دارد. اکونومیست می‌نویسد مقام‌های سعودی تصور می‌کردند با وعده سرمایه‌گذاری گسترده در آمریکا و تقویت روابط اقتصادی با نزدیکان ترامپ، می‌توانند بر تصمیم‌های واشنگتن تأثیر بگذارند. از جمله موارد مورد اشاره، سرمایه‌گذاری دو میلیارد دلاری در شرکت متعلق به جرد کوشنر و همکاری‌های تجاری مرتبط با مجموعه‌های اقتصادی خانواده ترامپ است.

بااین‌حال، این روابط نتوانست مانع گسترش جنگ منطقه‌ای شود. به نوشته اکونومیست، ریاض اکنون نگران تصمیم‌هایی است که ممکن است بدون توجه کافی به پیامدهای امنیتی آن برای کشورهای خلیج فارس اتخاذ شوند.

نگرانی اصلی عربستان، احتمال ازسرگیری حملات آمریکا علیه ایران و گسترش دامنه درگیری‌هاست؛ وضعیتی که می‌تواند زیرساخت‌های اقتصادی و امنیتی منطقه را با تهدیدهای بیشتری مواجه کند.

اکونومیست یادآور می‌شود که محمد بن سلمان در سال‌های گذشته توانسته بود برخی سیاست‌های منطقه‌ای خود را تغییر دهد؛ از جمله پایان دادن به محاصره قطر و حرکت به سمت گفت‌وگو برای حل بحران یمن.

اما تفاوت شرایط کنونی در آن است که بسیاری از عوامل تعیین‌کننده، خارج از اختیار مستقیم ریاض قرار دارند.

عربستان از یک‌سو باید امنیت قلمرو گسترده و زیرساخت‌های اقتصادی خود را تأمین کند و از سوی دیگر، با محدودیت ذخایر تجهیزات دفاع هوایی و هزینه‌های احتمالی یک جنگ طولانی روبه‌روست.

این نشریه در پایان به تلاش عربستان برای تنوع‌بخشی به روابط امنیتی، از جمله همکاری دفاعی با پاکستان و ترکیه، اشاره می‌کند.



بااین‌حال، ایجاد ساختارهای امنیتی جایگزین و کاهش وابستگی به آمریکا فرایندی زمان‌بر است. جمع‌بندی گزارش اکونومیست آن است که بحران کنونی، محدودیت‌های ساختاری عربستان را آشکار کرده است: اقتصادی که همچنان به نفت وابسته است، ساختار دفاعی‌ای که با تهدیدهای تازه مواجه شده و سیاست خارجی‌ای که هنوز به حمایت واشنگتن نیاز دارد.